

بررسی می‌شود، اسم روی برگه بریده می‌شود و حتی تک‌سوال تصحیح می‌شود، نه کل ورقه.

اگر هزینه‌های مربوط به تهیه اسکنرها تامین شود، در سطح ملی سوال به سوال تصحیح می‌شود. همین حالا در رشته‌های پرطرفدار و میان سه هزار داوطلب اول، ۷۶ درصد قبولی‌های مدارس دولتی هستند. مدارس سمپاد، دولتی هستند و متعلق به بخش خصوصی نیستند.

#### ۴ شخصابه دنبال دولتی بودن کل آموزش و پرورش در کشور هستیم البته مدارس «خاص» دولت است.

رهبر انقلاب روی نظام استعداد تاکید دارند. سند سازمان ملی استعدادهای درخشان ابلاغ نشده بود. ایشان در جلسه عمومی مرا خطاب قرار دادند و گفتند: «چرا این سند ابلاغ نشده است؟» خوشبختانه رئیس جمهور با فاصله یک روز سند را ابلاغ کردند. سازمان ملی استعدادهای درخشان به نوعی سامان‌دادن کسانی است که ضریب هوشی بالاتری دارند. بجای آنکه ضریب هوشی بالاتری دارد در مدرسه عمومی اذیت می‌شود. مدارس نخبگانی در همه جای جهان وجود دارند. البته شخصا طرفدار این رویه هستیم که کل آموزش و پرورش باید دولتی باشد.

ژاپن به هیچ وجه مدرسه‌اش را دست بخش خصوصی نمی‌دهد. ما مجبور شدیم مهدکودک را به این بخش واگذار کنیم، اما در نهایت در حال ساماندهی استانداردهای مهدهای موجود هستیم. اگر بدانیم اهمیت مهدکودک چقدر زیاد است، دولت باید بودجه‌ای اساسی برای دو سال مهدکودک و پیش‌دبستانی اختصاص بدهد و با منطق نظام تعلیم و تربیت اسلامی، این مدارس را اداره کند. ما یک سری از مسیرها را با ظرفیت‌های موجود سازگار می‌کنیم، درحالی‌که این مسیر باید ترمیم شود.

عدالت به تساوی نیست، برداشت غلطی است که یکی از معاونان وزارت آموزش و پرورش کرد و نیزه‌ای به پیکر مدارس سمپاد زد. ۷۰۰ مدارس سمپاد در کشور وجود دارند و یکی دو مورد نیستند. این مدارس در تمام کشور توزیع شده‌اند. از سیستان و بلوچستان تا کردستان و سایر استان‌ها. اتفاقا کسانی که توانایی مالی ندارند تا به مدارس خصوصی بروند، به مدارس سمپاد می‌روند. اگر توانایی مالی داشتند، شهرهای بالا پرداخت می‌کردند و به مدارس خصوصی می‌رفتند.

#### البته بخشی از این اتفاق رخ نداده است. در حال حاضر مدارس سمپاد شهریه بگیر هستند و بعضا در مدارس دولتی، کف امکانات برای عموم دانش‌آموزان فراهم نیست.

البته نباید شهریه بگیرند و اگر هم بگیرند قابل مقایسه با مدارس خصوصی نیست. نمی‌خواهم بعضی از کشورها را مثال بزنم. مثال ژاپن، راحت‌تر است ولی دبیرستان‌های بعضی از کشورها از جهت فضا و امکانات در مقیاس دانشگاه‌های ما هستند. به آموزش و پرورش اهمیت زیادی می‌دهند. تازه آنها دغدغه دین، ایمان، آخرت و ارزش‌ها را ندارند. نگاه آنها بیشتر متمرکز بر مدیریت درست جامعه مدنی است. در آنها نیز می‌بینیم بالاترین درصد خوشنیت اجتماعی نیز در کشورشان وجود دارد. اگر بخواهیم تحول بزرگی ایجاد کنیم، تحول در توجه به آموزش و پرورش است.

#### ۲ حوزه سواد مجازی و آسیب‌های فضای مجازی ماموریت شورا در بحث فضای مجازی به شمار می‌رود

یکی از بسترهای اعمال سیاست‌های فرهنگی، رسانه است. اکنون فضای مجازی: چه بخواهیم و چه نخواهیم تبدیل به بخشی از رسانه کشور شده و مردم عمده خبرها را از این فضا می‌گیرند. نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی در ساماندهی فضای مجازی کجا است؟ ما شورای عالی فضای مجازی را داریم اما با توجه به جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظام حکمرانی، برنامه شورای عالی برای این فضا چیست؟

ماموریت شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه فضای مجازی به دو حوزه برمی‌گردد. یکی، حوزه سواد مجازی و دیگری حوزه آسیب‌های فضای مجازی. در این دو حوزه با همکاری شورای عالی فضای مجازی، تدبیر کرده‌ایم شورای عالی انقلاب فرهنگی ورود پیدا کند. در حال حاضر در مسیر گزارش‌های حوزه سواد مجازی و آسیب‌های فضای مجازی هستیم تا بتوانیم برای این حوزه، راهبری کنیم. فضای مجازی حوزه‌ای است که با این دو قلمرو می‌توان روی آن اثر گذاشت. یکی بحث سواد است. ما باید کاربر را به سطحی برسانیم که به دانش تحلیلی برسد و بداند در این محیط چه خوب و چه بد است. بسیاری از کاربران می‌روند امتحان می‌کنند، یعنی محیط را محیطی آزمایشگاهی می‌بینند که می‌توانند به همه جا وارد شوند، درحالی‌که ورود به بعضی از قلمروها به معنای تغییر مسیر

را دعوت کرده و با همدیگر گفت‌وگو کردیم. نظراتشان را گرفتیم و بازتاب هم دادیم. به میان بچه‌های سمپادی در دبیرستان‌ها می‌رویم و به محیط‌های دانشگاهی هم سر می‌زنیم. چندی پیش با استادان دانشگاه علامه صحبت کردم. رفت‌وآمد ما زیاد بوده ولی مطالبات قدری بیشتر است. اکنون باید در حوزه ماموریت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی به بعضی از نهادهای توانمند مثل دانشگاه و حوزه علمیه ماموریت بدهیم. به یک دانشگاه بگوییم در حوزه ارتقای رتبه بین‌المللی دانشگاه، طرح‌های مربوطه را به ما بده. به‌طور مثال دانشگاه تهران یا شریف ماموریت پیدا کند در این حوزه ایده‌پرداز و اتاق فکر ما باشد. رهبری در حکم اخیرشان تعییری به کار بردند و فرمودند: «شوراهای تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی باید تبدیل به اتاق‌های فکر شورای عالی شوند.» به تعییری دیگر انتظار ندارند شوراهای تخصصی بروند مصوبه بیاورند. در حال حاضر به قدری اسناد مهم در شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد که اگر تمام توان خود را برای اجرا شدن آنها بگذاریم، موفق بوده‌ایم.

مثال سند مهندسی فرهنگی را می‌زنم. این سند را دو رئیس‌جمهور ابلاغ کرده‌اند. هم سال ۱۳۹۱ توسط آقای احمدی‌نژاد و هم سال ۱۳۹۳ از سوی آقای روحانی ابلاغ شده است. در نسخه دوم، اتفاق خوبی افتاد و یک ستاد راهبری به ریاست رئیس‌جمهور پیدا کرده است. اگر رئیس‌جمهور نتواند حاضر شود، معاون اول او رئیس ستاد خواهد بود. البته جلسه ستاد به مدت پنج سال تشکیل نشد. ما پیگیری کردیم و معاون اول پای کار آمد ولی واقعا مصوباتی که داشت مهم بودند. اکنون ۱۱ استان در کشور، سند نهایی و ابلاغ شده مهندسی فرهنگی براساس نظام مسائل خود استان پیدا کرده‌اند. تا پایان سال کار بقیه استان‌ها تمام می‌شود. بنای جدی داریم کار ۳۱ استان به اتمام برسد.

امتداد پیدا کردن یک سند ملی در سطح استان جزء آرزوهای شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده است. برای سند نقشه جامع علمی کشور هم باید چنین اتفاقی رخ می‌داد. این سند برای استان بوشهر نهایی و ابلاغ شد ولی در سایر استان‌ها هنوز محقق نشده است. امیدواریم که بتوانیم در این مسیر حرکت کنیم.

در سند توسعه قرآنی، پیش‌بینی «شورای توسعه قرآنی استانی» شده ولی اجرا نشده است. اکنون باید به سمت اجرای این مصوبات برویم. یکی از مصوبات ستاد هماهنگی مهندسی فرهنگی کشور، تشکیل کمیته تلفیق به ریاست دبیر شورای عالی و عضویت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و همچنین ریاست سازمان تبلیغات اسلامی و به تناسب سایر دستگاه‌ها است. نتیجه این شد که کمیسیون فرهنگی برنامه هفتم با ۱۰ زیرگروه در دبیرخانه تشکیل شد. این ایام، روزهای پرفت و آمدی در دبیرخانه شورا برای تدوین احکام مرتبط با حوزه فرهنگ محسوب می‌شود. یکی از کارگروه‌ها، کارگروه فرهنگ و هنر است که ریاستش را وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برعهده دارد. کمیسیون را آقای علی احمدی اداره می‌کند و دبیر ستاد فرهنگ دبیرخانه نیز قائم‌مقام کمیسیون است. این اتفاقات اسناد را به پیش می‌برد. کار فراگرمی که حضرت آقا از آن تعییر می‌کنند، به یک معنا کار نظام‌مند برای اجرا نیز به‌شمار می‌رود. نظام‌واره‌هایی برای اجرای مصوبات ایجاد می‌کنیم که زمینه را فراهم می‌سازد. امیدواریم با سیستم‌های نظارت و ارزیابی بتوانیم به اهداف برسیم. اکنون سازمان بازرسی کل کشور پشتیبان مصوبات شورای عالی است. اگر دبیرخانه شورا مکاتبه‌ای با سازمان بازرسی انجام دهد و بگوید: «شما بازرسی دقیقی کنید و ببینید متناسب با این مصوبه، چه اقداماتی صورت گرفته است؟» سازمان بازرسی این کار را انجام می‌دهد که این‌که راجع به بعضی از نهادها این اتفاق افتاده است.

بنا بر گفت‌وگوهایی که با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی داشتیم، تصور می‌شود نگاه کلانی در حوزه تعلیم و تربیت با توجه به مصوبه اخیر کشور وجود دارد که از حیث عدالت آموزشی بسیار مهم است. این نگاه در دبیرخانه شورای عالی حکمفرما بوده، در بدنه شورا جریان پیدا می‌کند و در ستادها دنبال می‌شود بر چه اساس و منطقی پیش می‌رود؟ عدالت آموزشی چگونه در این نگاه دیده و محقق می‌شود؟

به‌طورحتم یکی از پایه‌های عدالت اجتماعی، عدالت آموزشی است. بدون عدالت آموزشی نمی‌توانیم ادعای عدالت اجتماعی فراگیر کنیم. در بحث سنجش و پذیرش، تلقی برخی بر این بود که خلاف عدالت آموزشی است، چون تصور می‌کردند در مدارس خصوصی، بچه‌ها معدل بالایی می‌گیرند و در مدارس دولتی، دانش‌آموزان معدل پایینی کسب می‌کنند. تصور اشتباه دیگری نیز وجود داشت که آنها خودشان امتحان می‌گیرند، درحالی‌که به هیچ‌وجه این‌طور نیست. در این نگاه آموزش و پرورش وظیفه دارد سوال استاندارد مشترک در سطح ملی ارائه کند، برگه‌ها توسط دو نفر از مصححان متعلق به نهادی خارج از مدرسه